

تجربه بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه فردوسی

مشهد^۱

The Experience of Revising the Educational Management Curriculum at Ferdowsi University of Mashhad

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۵/۲۱

Rezvan Hossein Gholizadeh
Mohammad Reza Ahanchian
Masoumeh kouhsari
Ali Noferești

رضوان حسین قلی زاده*
محمد رضا آهنجیان**
معصومه کوهساری***
علی نوفرستی****

Abstract: The main objective of this study was to present the experience of revising the curriculum of Educational Management Master's degree at Ferdowsi University of Mashhad. To do so, it was attempted to adopt the case study research approach to collect the required quantitative and qualitative data from various information sources (related literature on educational management, high-level documents, experiences of top domestic and foreign universities and the viewpoints of graduates and employers in this field) in order to propose a new curriculum for the field of educational management. Next, questionnaires, interviews and document analysis were used to collect the required data. Regarding the results of data analysis, it was tried to specify the general characteristics of the curriculum, including the subjects of new lessons along with their full specifications such as general and specific objectives of lessons, the strengths of and expectations from the course, syllabus, learning-teaching method and evaluation method as well as the list of suggested resources. This experience was passed as a successful experience at Ferdowsi University of Mashhad and, later, it was approved by the Curriculum Council of this university.

Key words: Educational management, curriculum revision, Master of Arts.

چکیده: هدف اصلی این مطالعه، ارائه تجربه بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی مشهد است. برای دستیابی به این هدف با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی و گردآوری داده‌های کمی و کیفی مورد نیاز از منابع اطلاعاتی مختلف (ادبیات مدیریت آموزشی، اسناد فرادستی، تجارب دانشگاه‌های برتر داخلی و خارجی، دیدگاه‌های دانش‌آموختگان و کارفرمایان این رشته) برنامه درسی جدید رشته مدیریت آموزشی پیشنهاد شد. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه، مصاحبه و تحلیل اسناد استفاده شد. بنا بر تحلیل نتایج به دست آمده، مشخصات کلی برنامه درسی از قبیل عناوین درس‌های جدید به انضمام مشخصات کامل آن از قبیل اهداف کلی و ویژه درس، توانایی‌ها و انتظارات درس، سرفصل درس، روش یاددهی یادگیری و روش ارزشیابی با معرفی فهرست منابع پیشنهادی درس به تفصیل تدوین شد. این تجربه به‌عنوان تجربه‌ای موفق در دانشگاه فردوسی مشهد تصویب و به تأیید شورای برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد رسیده است.

واژگان کلیدی: مدیریت آموزشی، بازنگری برنامه درسی، کارشناسی ارشد

۱. این مقاله برگرفته از طرح «بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد» با حمایت معاونت

آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد است.

* دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول، rhgholizadeh@um.ac.ir)

** استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

*** کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

**** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

هر رشته دانشگاهی علاقه‌مندان، موضوعات خاص و همچنین قواعد و فعالیت‌های ساخت یافته منحصر به فردی دارد که با آنها چهارچوب خود را شکل می‌دهد و به مسائل و راه‌حل‌های آن می‌پردازد (گانتز^۱، ۲۰۰۱). شناسایی دامنه فعالیت هر رشته دانشگاهی هم پیچیده و هم در حال تغییر است. تغییرات مستمر در علوم باعث ایجاد وضعیتی نامتعادل برای تعیین قلمرو رشته‌های دانشگاهی شده است (اوزدمیر^۲، ۲۰۱۱). رشته‌های دانشگاهی در فرایند پرفراز و نشیب رشد خود که با جهش‌ها و توفیق‌هایی همراه هستند، مفروضات و مفاهیم و نظریه‌های مختلفی را به وجود می‌آورند و تبیین این تغییرات موجب شناختی عمیق و درکی صحیح از یک رشته دانشگاهی می‌شود (هالینگر و چن^۳، ۲۰۱۴). برنامه درسی به مثابه یک طرح کلی برای یادگیری در قالب مجموعه درس‌ها و برنامه زمانی معین، محتوای یک رشته دانشگاهی خاص را شکل می‌دهد. این سازه اجتماعی نیازمند بازنگری و بهبود پویا و مستمر است تا نقش اصلی خود را به عنوان یک ابزار مهم در خدمت یادگیرندگان و نظام آموزش عالی ایفا کند (خاقانی‌زاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷).

یکی از چالش‌های مهم نظام‌های آموزش عالی، تغییر و بازنگری مستمر برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و استقبال و ایجاد قلمروهای نو و علمی است تا دانش‌آموختگانی را تربیت کند که پاسخگوی نیازهای جامعه باشند و در عین حال از تحولات علمی و فناوری پیشرفته بهره‌مند شوند. به زعم ولف (۲۰۰۷)، بازنگری برنامه درسی اغلب با هدف افزایش کیفیت برنامه درسی موجود، اطمینان از به‌روز بودن و تناسب برنامه درسی و زمینه‌سازی برای آموزش با کیفیت عالی و بهبود مستمر پیشرفت تحصیلی دانشجویان انجام می‌گیرد (دیبا و اجاری، یمنی دوزی سرخابی، عارفی و فردانش، ۱۳۹۰). مجموعه برنامه‌های درسی در راستای اهداف و رسالت دانشگاهی باید پاسخگوی وضعیت و دغدغه‌های فعلی و آینده باشد. به‌ویژه رشته‌های دانشگاهی را در راستای نیازها و تحولات قرار دهد به نحوی که از جامعیت و تناسب لازم برخوردار بوده و ضمن پاسخگویی و توجه به نیازهای دانشجویان به مشکلات اجتماعی و ارزش‌ها و میراث فرهنگی نیز پردازد (خاقانی‌زاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷). در این میان، مدیریت و رهبری آموزشی نیز به عنوان رشته‌ای علمی، تخصصی، واقع‌گرا و تغییرگرا (شیرازی،

1. Gunter

2. Özdemir

3. Hallinger & Chen

۱۳۷۳) و به‌عنوان یک زمینه مطالعاتی^۱ (بوش^۲، ۲۰۰۳) از قاعده تغییر، بازنگری و بهبود مستثنا نیست. به‌ویژه آنکه بررسی ادبیات این رشته مملو از کشمکش‌های فکری و بازتاب ماهیت، روش‌شناسی، اهداف، حدود و مبنای دانش مدیریت آموزشی است (اوپلاتکا^۳، ۲۰۰۹) که با توجه به دیدگاه‌های انتقادی مطرح‌شده در سال‌های اخیر در زمینه تولید علم و تجربیات حقیقی به پیشرفت مناسب و کاملی نرسیده است (هک و هالینگر^۴، ۲۰۰۵). با نگاهی به گذشته، دیدگاه‌هایی را درباره این رشته می‌توان طرح کرد. گروهی، مدیریت آموزشی را فقط عمل می‌دانند، کسانی که پیش از راه‌اندازی جنبش نظریه^۵ به‌عنوان استادان مدیریت آموزشی در حال تدریس بودند و علم خود را صرفاً از راه تجربه به‌دست آورده بودند (گرینفیلد^۶، ۲۰۰۵)؛ یعنی موضوعی که افرادی چون هولمز و واین (۱۹۸۹) نیز به آن اعتقاد دارند. با شروع جنبش نظریه و اوج‌گیری آن افرادی چون گتزلز و کولادارسی^۷ (۱۹۵۵)، هالپین^۸ (۱۹۵۸) و گریفیتس^۹ (۱۹۵۹) از نقش بی‌بدیل نظریه و علوم اجتماعی در مدیریت آموزشی به‌عنوان یک علم و رشته علمی سخن به میان آوردند و درنهایت افرادی نظیر هوی و میسکل^{۱۰} (۱۹۹۱) و مینتزربرگ (۱۹۸۹) جایگاه نظریه را در تبیین عمل و راهنمایی برای عمل مدیران توصیف کردند و علم و عمل را با این رویکرد تعریف کردند که مدیران با درک بهتر نظریه عملکردشان را بر پایه نظریه بنا می‌کنند.

با وجود گذشت بیش از یک قرن از عمر مدیریت آموزشی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی، قدمت این رشته در ایران به سال ۱۳۴۶ برمی‌گردد که نخستین بار به‌صورت یک درس و سپس یک رشته دانشگاهی به جامعه معرفی شد (علاقه‌بند، ۱۳۷۹). در حال حاضر، همه دانشگاه‌های ارائه‌دهنده این رشته در سطح کشور که تعداد آنها بیش از ۲۳ دانشگاه است، به استناد برنامه آموزشی مصوب جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۹ برنامه درسی این رشته را در مقطع کارشناسی ارشد بنا نهاده‌اند. این

1. field of study

2. Bush

3. Oplatka

4. Heck & Hallinger

5. Theory Movement

6. Greenfield

7. Getzels

8. Halpin

9. Griffiths

10. Hoy & Miskel

رشته - مقطع در دانشگاه فردوسی مشهد نیز قدمتی تقریباً بیست‌ساله دارد. این در حالی است که تاکنون تلاشی جدی برای بازبینی درس‌های این رشته صورت نپذیرفته است. به استناد شواهد پژوهشی موجود، رویکرد حاکم بر برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی، رویکردی موضوعی و نظری است که نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای فعلی باشد. برنامه درسی فعلی از بعد توجه به جنبه‌های عملی و کاربردی در حیطه‌هایی چون علائق فردی، تحولات دنیای کار، تفکر خلاق، کارهای گروهی و توجه به روش‌های مبتنی بر فعالیت دانشجوی، وضعیت مطلوبی ندارد (عارفی، ۱۳۸۰). در مطالعه‌ای دیگر، میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای علمی، فردی، اجتماعی و شغلی دانشجویان کارشناسی ارشد کمتر از حد متوسط ارزیابی شد. به عبارت دیگر، برنامه درسی پاسخ‌گوی نیازهای دانشجویان نیست (شادفر، لیاقت‌دار و شریف، ۱۳۹۰). یارمحمدیان و سلمانی‌زاده (۱۳۸۵) نیز در مطالعه‌ای، درس‌های تخصصی مدیریت آموزشی را از نظر ایجاد دانش، نگرش، مهارت، تطابق با اصول طرح درس و اثربخشی در حد متوسط ارزیابی کردند. به‌طور مشخص، بیش از ۹۰ درصد مشارکت‌کنندگان پژوهشی (استادان و دانشجویان)، درس «اصول مدیریت آموزشی» را ضروری ارزیابی کردند و قائل به تغییر یا دگرگونی در سرفصل‌های این درس بودند. همچنین پیش‌شرط برخورداری از حداقل سه سال سابقه فعالیت در یکی از مؤسسات یا مراکز آموزشی برای پذیرش دانشجویان در این دوره و استفاده از الگوهای کاربردی و عملیاتی در روش‌های تدریس را پیشنهاد کردند (رحمانی کرچگانی و بهرنگی، ۱۳۸۸). رسته‌مقدم، عباس‌پور و جلالی‌دیزجی (۱۳۹۵) نیز در تحلیل تولیدات علمی حوزه مدیریت و رهبری آموزشی، تغییر جهت‌گیری آثار علمی این رشته در سال‌های اخیر و حرکت به سمت رهبری و سیاست‌گذاری آموزشی را خاطر نشان کردند.

با توجه به نظرات یادشده، شواهد بسیاری وجود دارد که ضرورت بازنگری برنامه درسی مدیریت آموزشی را در دوره کارشناسی ارشد در شرایط کنونی اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ قدمت بیست‌وسه‌ساله این رشته و برنامه درسی آن بدون هیچ‌گونه تغییری در ایران و همچنین اجرای این برنامه در بیش از بیست‌وسه دانشگاه ایران، نبود مراکز یا مؤسساتی که مأموریت ویژه خود را تربیت مدیران و رهبران آموزشی قرار داده باشند. در این خصوص، انتظار می‌رفت دانشگاه فرهنگیان در کنار برنامه تربیت معلم، تربیت مدیران آموزشی را نیز در اولویت برنامه‌های آموزشی و درسی خود قرار می‌داد. علاوه بر این، نسبت بین تحولات علمی این حوزه در رابطه با تربیت مدیران و رهبران آموزشی و ارتقای سطح عملکرد نظام‌های آموزشی جهان را در شواهد نظری و پژوهشی موجود

می‌توان ملاحظه کرد. از این رو، کوشش برای بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه فردوسی مشهود به‌عنوان پیشگام در تغییر و تحول علم و دانش با تأکید بر رسالت آن در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و شتاب‌بخشیدن به تولید علم ضروری به‌نظر می‌رسد.

سؤال‌های پژوهش

۱. قلمرو رشته مدیریت آموزشی چیست؟
۲. مقتضیات رشته مدیریت آموزشی بر اساس اسناد فرادستی کشور چیست؟
۳. دیدگاه‌ها و انتظارات دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی درباره برنامه درسی موجود چیست؟
۴. دیدگاه‌ها و انتظارات دست‌اندرکاران مدیریت آموزشی دربارۀ این رشته دانشگاهی چیست؟
۵. مشخصات کلی، برنامه و سرفصل درسی رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه‌های برتر ایران و دنیا چیست؟

چهارچوب نظری پژوهش

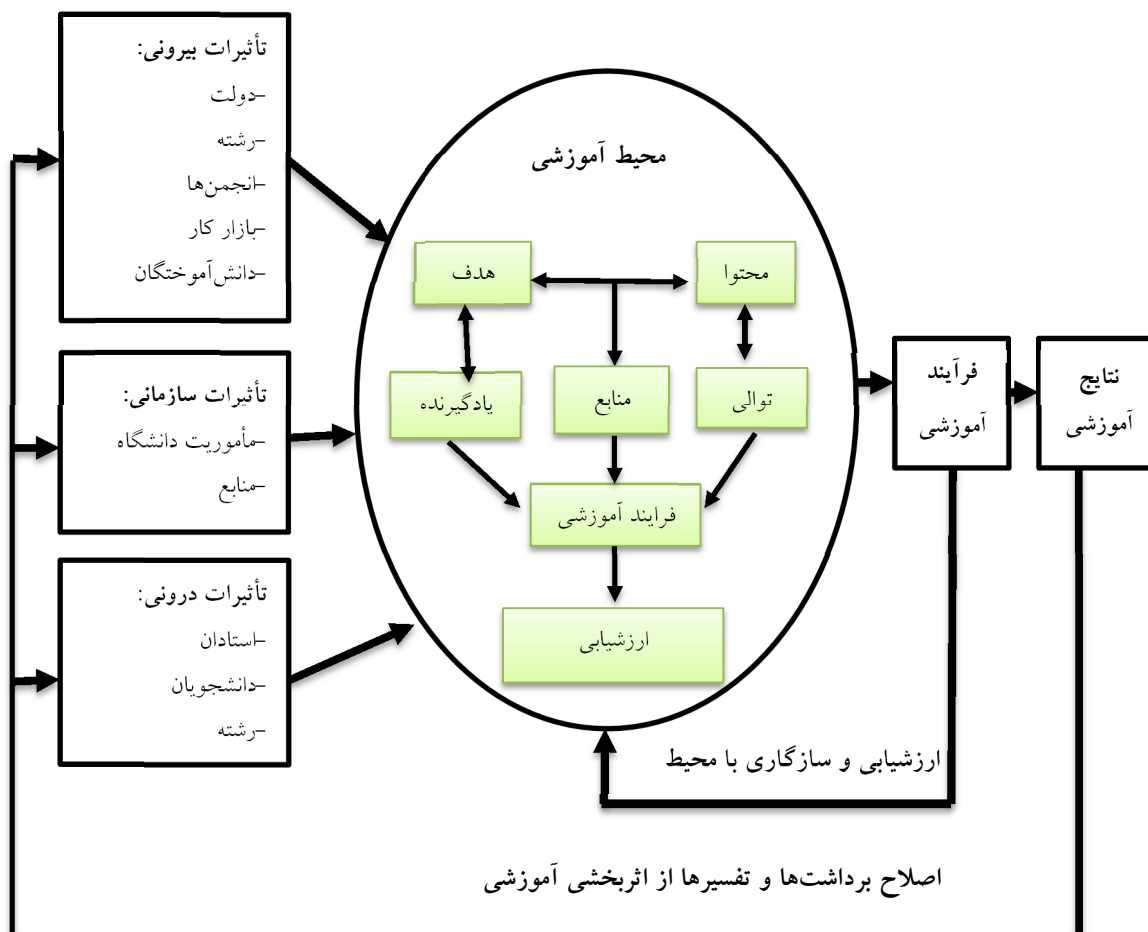
از مهم‌ترین چالش‌های آموزش عالی در بسیاری از کشورهای جهان، تغییر و بهسازی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها به‌گونه‌ای است که بتواند فارغ‌التحصیلانی را تربیت کند که پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بوده و در عین حال از تحولات علمی و فناورانه نیز بهره‌شایسته‌ای برده باشند. نکته قابل توجه آنکه برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها پس از طراحی و اجرای مکرر در طی زمان ضرورتاً باید به‌صورت ادواری، تجدیدنظر و بازنگری شوند، در غیر این صورت پدیده‌ای با عنوان رو به زوال رفتن برنامه درسی اتفاق می‌افتد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۹). تغییر برنامه درسی مفهوم بسیار کلی است و به هر نوع تغییر در ابعاد برنامه درسی اشاره دارد (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). برای ایجاد تغییر در برنامه درسی الگوهای مختلفی مطرح شده است. از جمله این الگوها که قائل به سازگاری و تعدیل برنامه برای افزایش یادگیری بر اساس تجربه و ارزشیابی است، الگوی برنامه درسی دانشگاهی^۱ استارک و لاتوکا^۲ (۲۰۱۱) است. از دیدگاه استارک و لاتوکا، مفاهیم برنامه

1. Academic Plan Framework

2. Stark & Lattuca

درسی بسیار پیچیده نیستند. در عین حال کنشگران مختلف در داخل و خارج از فضای آموزشی چنین وانمود می‌کنند که از چپستی آن آگاه‌اند. ادراک آنها از برنامه درسی، نظریه‌های بنیادین برنامه درسی را فراهم می‌آورد که با رویکردی هیوریستیک، فهم عناصر مختلف را ممکن می‌سازند. در این دیدگاه، تحلیل برنامه درسی اساساً یک «طراحی معکوس»^۱ به معنی بررسی برون‌دادها برای دستیابی به اهداف، انگیزه‌ها و مقاصد و رای تصمیمات تلقی می‌شود. استارک و لاتوکا (۲۰۱۱) فهم برنامه درسی را نیازمند بررسی عناصر هشتگانه هدف، محتوا، توالی، یادگیرنده، فرایندهای آموزشی، منابع آموزشی، ارزشیابی و تعدیل و یا تغییر برنامه بر اساس نتایج ارزشیابی می‌دانند. در این میان، درک شرایطی که برنامه درسی در آن تدوین و اجرا می‌شود بسیار مهم است. در این الگو، بسیاری از عواملی که بر طراحی و تدوین برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها مؤثرند، معرفی شده‌اند. این اثرات به سه دسته اثرات بیرونی (بازار کار، دولت، رشته، انجمن‌ها و دانش‌آموختگان)، اثرات سازمانی (مأموریت دانشگاه و منابع) و اثرات درونی (استادان و دانشجویان) تقسیم شده‌اند. اساساً یکی از ویژگی‌های برنامه درسی در دانشگاه‌ها این است که قبل از قضاوت و تصمیم‌گیری درباره برنامه‌های درسی موجود، علاوه بر خط مشی‌های درون‌سازمانی می‌بایست واقعیات جهانی و شرایط دنیای کنونی را با مطالعه نظام‌مند جریان‌های فناوری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آموزش عالی مورد توجه قرار دهد (خاقانی‌زاده و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷). در این پژوهش، الگوی موردنظر برای بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی مبتنی بر دیدگاه استارک و لاتوکا (۲۰۱۱) انتخاب شد. در شکل (۱) الگوی نظری پژوهش نشان داده شده است.

^۱. design-inreverse



شکل (۱) الگوی برنامه درسی دانشگاهی استارک و لاتوکا (۲۰۱۱)

روش پژوهش

در این پژوهش، به منظور بررسی تفصیلی ابعاد «برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی» به عنوان «مورد» با مطالعه و تفسیر آنها از دیدگاه کل‌نگر، از روش مطالعه موردی بهره گرفته شد. این روش با رویکرد کیفی و با هدف درک عمیق پدیده مورد مطالعه با استفاده از داده‌های گردآوری شده از منابع مختلف به عنوان روش مرجح انتخاب شد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۹). بدین ترتیب، در نخستین مرحله از فرایند پژوهش و به منظور شناخت بیشتر ماهیت و خاستگاه مدیریت آموزشی با استفاده از روش مطالعه

کتابخانه‌ای، تاریخچه مدیریت آموزشی بررسی شد. نتایج حاصل از مرور تاریخی سیر تحولات مدیریت آموزشی به درک قلمرو و رسالت رشته مدیریت آموزشی در ارتباط همگرا و واگرا با سایر رشته‌های علوم اجتماعی کمک کرد. ضمن تعیین قلمرو نظری، با توجه به اهمیت دانش زمینه‌ای و نقش آن در شکل‌گیری هویت و ماهیت رشته مدیریت آموزشی که به نحوی اثر آن در سیر تاریخی مدیریت آموزشی نیز مشخص شد، اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان چهارچوب ایدئولوژیک و مشخص‌کننده نقشه راه فعالیت‌های دانشگاهی، مطالعه شدند. از مهم‌ترین این اسناد در سطح کلان، سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول راهبردی علم و فناوری و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به‌ویژه سند راهبردی دانشگاه فردوسی مشهد مورد تحلیل قرار گرفتند. علاوه بر این، با توجه به اینکه بازنگری برنامه درسی، فرایندی اجتماعی قلمداد می‌شود و نیازمند مشارکت، همکاری و همفکری مشارکت‌کنندگان درون و برون دانشگاهی است (قضاوی، میرشاه جعفری، نصر و موسی‌پور، ۱۳۹۴) دیدگاه‌های دانش‌آموختگان درباره هر یک از درس‌های تجربه شده از حیث معیارهای دانشگاهی و ارتباط با جامعه بررسی شد. جمعیت مورد مطالعه، دانش‌آموختگان بازه زمانی پنج سال اخیر (۹۵-۱۳۹۰) بودند. به‌منظور درک عمیق‌تر این دیدگاه‌ها، دانش‌آموختگان به یک جلسه مصاحبه گروهی دعوت شدند. علاوه بر این، با نظر به ارتباط ماهوی رشته مدیریت آموزشی با اهداف نظام آموزش و پرورش، با یازده نفر از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت از جمله مدیران، معلمان و مسئولان اداری به‌صورت گروهی، مصاحبه شد. نتایج حاصل از آن به محققان در انعکاس انتظارات رشته مدیریت آموزشی در مقام پاسخگو به نیازهای جامعه تعلیم و تربیت کمک کرد. سرانجام دانشگاه‌های برتر دنیا و ایران با محوریت موضوع آموزش و پرورش^۱ شناسایی شدند و تلاش شد تا برنامه درسی اجرا شده رشته مدیریت آموزشی در این دانشگاه‌ها، بررسی شود. بدین ترتیب، ده دانشگاه برتر دنیا بر اساس نظام رتبه‌بندی QS^۲ در سال ۲۰۱۶ و شش دانشگاه پیشرو در زمینه راه‌اندازی رشته مدیریت آموزشی، مطالعه شدند. مرور این تجربیات در عمل می‌تواند الگویی مناسبی برای طراحی برنامه درسی از حیث هدف، شایستگی‌های مورد انتظار و عناوین درس‌ها ارائه دهد.

^۱. Education

^۲. Quacquarelli Symonds: World University Rankings
<http://www.topuniversities.com/university-rankings>

یافته‌های پژوهش

۱. قلمرو نظری رشته مدیریت آموزشی

در پاسخ به این پرسش پژوهش که قلمرو رشته مدیریت آموزشی چیست، با مرور ادبیات موضوع، تلاش شد با مرور تاریخی سیر تحولات فکری مدیریت آموزشی و تحلیل رویدادهای مهم آن، حدود و ثغور رشته تعریف شود؛ با این هدف که بررسی این تحولات به درک قلمرو رشته مدیریت آموزشی کمک کند. چنانکه اشاره شد، کانون این تحولات در ایالات متحده آمریکا قرار دارد، البته این به معنی انکار و کم‌ارزش تلقی کردن کوشش‌ها و تحولات مدیریت آموزشی در سایر کشورها نیست. مرور رویدادهای تاریخی مدیریت آموزشی از آشفتگی فکری و کوشش برای خلق مبنای دانش مدیریت آموزشی حکایت دارد. این در حالی بود که جنگ پارادایم‌ها در این رشته و جدال بین دانش نظری و دانش عملی، ساخت مبنای دانش را با دشواری‌هایی مواجه کرد. نظر به آنچه کوهن با بهره‌گیری از واژه پارادایم در توصیف فرایند پیشرفت علم مطرح می‌کند، روند پیشرفت و تحول دانش مدیریت آموزشی در تناظر با چگونگی ظهور و سقوط پارادایم‌های حاکم و متأثر از علوم دیگر به‌ویژه علوم اجتماعی قابل درک است. هرچند به‌زعم دیوید هر، می‌توان فرضیه سنت پژوهشی لادن را جایگزین فرضیه پارادایم کوهن کرد تا بازتاب تنوع چشم‌اندازها و روش‌شناسی‌ها را در تولید دانش مدیریت آموزشی متصور شد.

رشته مدیریت آموزشی در طول زمان همچون بسیاری از رشته‌های علمی دیگر (به‌ویژه علوم انسانی) از محیط علمی پیرامون خود متأثر بوده است؛ زمانی، اثبات‌گرایی و اینک پست‌مدرن و نگاه‌های جهانی‌سازی. تاکنون نظریه قوی و تأثیرگذاری که بتواند در عمل کارایی خود را نشان دهد، در این رشته مطرح نشده است. با توجه به جایگاه آموزش و پرورش در کشورها، حاکمان و سیاست‌گذاران در تعریف و تغییر راهبردهای این رشته تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته باگذشت یک قرن از عمر مدیریت آموزشی، شواهد موجود از مشخص نبودن حدود و ثغور مدیریت آموزشی حکایت دارند. به‌زعم هالینگر و چن (۲۰۱۴) با گذر زمان، هر چه مدیریت آموزشی پیش رفته است، مرزهای آن نه‌تنها روشن‌تر نشده بلکه گسترده‌تر و البته مبهم‌تر نیز شده است. یکی از دلایل مهم این پیچیدگی و گستردگی را می‌توان به شکاف بین نظریه و عمل نسبت داد. چنانکه آشفتگی فکری ادراک شده در دهه‌های نخست قرن بیستم به خاطر نداشتن نظریه و مبنای نظری، گذشته مدیریت آموزشی مبتنی بر عمل (اواخر قرن نوزدهم) را مورد تردید قرار داد و زمینه‌های ظهور جنبش توسعه نظریه در مدیریت

آموزشی را فراهم آورد. تا آنجا که عدم کفایت جنبش در ایجاد مبنای نظری قوی که به بهبود عمل منجر شود در اواخر قرن بیستم به چالش کشیده می‌شود. از دیدگاه برخی منتقدان این رشته مانند بیتس و فوستر، مادامی که مدیریت آموزشی بر مبنای نظریه مدیریت علمی (معادل اثبات‌گرایی) تعریف شود، صرفاً بر جنبه‌های فنی - رویه‌ای عمل تأکید شده و از تحلیل فرهنگی غفلت شده است (کیوز، ۱۹۹۹). کوشش برای پر کردن شکاف بین نظریه و عمل، زمینه پذیرش رویکرد کثرت‌گرایی نظری و تأکید بر چشم‌اندازها به جای یک نظریه جامع و مانع را فراهم آورد. بنابراین، پیچیدگی و گستردگی دامنه فعالیت و ماهیت مدیریت آموزشی را تا حدی می‌توان به تنوع چشم‌اندازهای این رشته نسبت داد. چنانکه، برخی نویسندگان با مرور نظام‌مند مقاله‌های منتشر شده در این حوزه به تنوع موضوع‌ها و گستردگی آن اشاره کرده‌اند. بنابراین، نمی‌توان ادعای مدیریت آموزشی به عنوان یک تخصص یکپارچه را پذیرفت. فرض بدیل آن این است که مدیریت آموزشی، رشته‌ای کاربردی است و این اندیشه در طول زمان بر تفکر اندیشمندان این رشته حاکم بوده است، هرچند ممکن است بر مبنای آن عمل نکرده باشند. از این رو، نظریه و عمل در مدیریت آموزشی، دو مفهوم جدایی از هم نیستند. دیدگاه سرجیوانی و کارور در این خصوص که تصمیم‌گیری مدیریتی باید از راه نظریه، جهت داده شود، به وسیله شهود تقویت شود و با نظر به سیستم ارزشی شخصی مدیران تعریف شود را می‌توان گواهی بر این ادعا دانست. صرف نظر از تعاریف ارائه شده از مدیریت آموزشی مبنی بر تلفیق علم و هنر و مهارت حل مسائل سازمان، به نظر می‌رسد هویت مدیریت آموزشی را در هدف‌های آن باید جستجو کرد؛ آنچه تمایز آن را علوم اداری و گرایش‌های آن مشخص می‌کند. چنانکه بوش هدف را نشانه می‌گیرد و مدیریت آموزشی را در ارتباط با هدف یا اهداف تعلیم و تربیت تعریف می‌کند: «مدیریت، فعالیتی در جهت نیل به اهداف معین آموزش و پرورش است». همچنین، نظر به ارتباط مبهم بین مدیریت و هدف، خطر مدیریت‌گرایی^۲ را تهدیدی جدی برای مدیریت آموزشی می‌داند (بوش، ۲۰۰۳). همان چیزی که کالاهان آن را «پرستش کارایی» می‌نامد (هر، ۱۹۹۶). بنابراین، کانون توجه مدیریت آموزشی و عالی‌ترین هدف آن را می‌توان ارتقای اثربخشی آموزش و یادگیری به‌طور مشخص در سطح مدرسه دانست.

1. Keeves

2. Managerialism

چه بسا از مهم‌ترین دلایل نداشتن انسجام و یکپارچگی این رشته می‌توان به سرگردانی مدیریت آموزشی بین علوم اداری (مدیریت دولتی و اخیراً مدیریت کسب‌وکار) و علوم تربیتی اشاره کرد که چالشی مهم و اساسی به نظر می‌رسد و اغلب مانع از دستیابی به هویت مستقل، دست‌کم در سطح دانشگاهی شده است. به‌زعم سرچیوانی (۱۹۹۴) نظر به کاربرد بسیاری از مفاهیم و استعاره‌های مختلف اقتباس شده از نظریه‌های گوناگون مانند نظریه سازمانی، نظریه مدیریت و جامعه‌شناسی، مدیریت آموزشی گرفتار شده است. تلقی مدرسه به‌عنوان یک سازمان رسمی، سازمان حرفه‌ای، سازمان ارگانیک و غیره استعاره‌هایی هستند که در مدیریت آموزشی عمومیت یافته‌اند. این در حالی است که مدرسه نه به‌عنوان یک سازمان بلکه باید به‌عنوان یک اجتماع^۱ تعریف شود و منابع اختیار رهبری باید در رهبری اخلاقی خلاصه شود. رویکردهای نوظهور مانند نظریه انتقادی، فمینیسم، رویکردهای نژادگرا و پست‌مدرنیسم، آنچه را که مبنای دانش مدیریت آموزشی قلمداد می‌شود، تضعیف کرده‌اند. گرینفیلد به‌صراحت اعلام کرده که علم اداری در آموزش و پرورش شکست‌خورده است؛ زیرا پذیرش قاطع علم اثبات‌گرایی باعث شده تا نظریه و پژوهش بر تصوری از واقعیت به‌جای نیروهای پدیدارشناختی که خود واقعیت هستند، تأکید کنند. این رویکرد (اثبات‌گرایی) به‌سختی نتیجه می‌دهد و نتایجش اغلب ناتوان، بی‌ربط یا گمراه‌کننده است. ریچارد بیتس (۱۹۸۰) نیز چنین توصیه می‌کند که مدیریت آموزشی باید از تلاش برای یک نظریه مسلم با این فرض که قوانینی را برای راهنمای مدیران استخراج کند، دست بردارد و تقلید از علم اثبات‌گرایی را فراموش کند.^۲

۲. اسناد فرادستی

با توجه به اهمیت اسناد فرادستی و تأثیر مستقیم و قابل توجه آنها به رشته مدیریت آموزشی، این اسناد در سطح کلان و خرد ملی، بررسی شدند. در صدر همه اسناد، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران قرار دارد. سپس، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از منظر نگاه تخصصی به تعلیم و تربیت و نیز سند راهبردی دانشگاه فردوسی مشهد مورد توجه قرار گرفت.

^۱. Community

^۲. برای آگاهی بیشتر از قلمرو نظری مدیریت آموزشی نگاه کنید به: حسینقلی زاده، رضوان؛ آهنچیان، محمدرضا؛ نوفرستی، علی و کوهساری، معصومه (۱۳۹۲). سیری در تاریخ اندیشه‌های مدیریت آموزشی با نگاهی به تجربه‌های بین‌المللی. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۶ (۲).

در تحلیل محتوای سند چشم‌انداز بیست‌ساله جایگاه ایران در افق ۱۴۰۴ از هشت بند این سند می‌توان پنج بند را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با رشته مدیریت آموزشی مرتبط دانست. در جدول (۱) دلالت‌های قابل ملاحظه برای رشته مدیریت آموزشی بر اساس محتوای سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران به طور خلاصه ارائه شده است.

جدول (۱) دلالت‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران برای مدیریت آموزشی

رشته مدیریت آموزشی باید:
۱. در راستای توسعه‌یافتگی کشور به‌خصوص «شاخص‌های توسعه انسانی» مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی حرکت کند.
۲. در بهسازی منابع انسانی در راستای تولید علم و فناوری و ایجاد سرمایه اجتماعی در تولید ملی گام بردارد.
۳. به دنبال تربیت نیروی انسانی مبتنی بر شاخص‌های تراز جمهوری اسلامی باشد.
۴. دانش‌آموختگانی کارآفرین و مولد در علوم تربیتی کند.
۵. دارای رویکردی اسلامی بوده و در جهان اسلام اثرگذار باشد.

به استناد نقشه جامع علمی کشور، برخی از مهم‌ترین ارزش‌های حاکم بر نظام علمی مدیریت آموزشی عبارت‌اند از: حاکمیت جهان‌بینی توحیدی اسلام در تمام ابعاد علم و فناوری؛ علم‌هدایتگر و هدفمندی آخرت‌گرایانه علم و فناوری؛ عدالت‌محوری، پرورش استعدادها و دستیابی همگان به‌خصوص مستضعفان در حوزه علم و فناوری و تقویت خلاقیت، نوآوری و خطرپذیری در علم؛ کرامت انسان با تکیه بر فطرت حقیقت‌جو، عقل‌گرا، علم‌طلب و آزادگی وی؛ آزاداندیشی و تبادل آرا و تضارب افکار (جدال احسن)؛ توجه به اصل عقلانیت، تکریم علم و عالم، ارزشمندی ذاتی علم و ضرورت احترام حقوقی و اخلاقی به آفرینش‌های فکری - علمی و دستاوردهای علمی بشری و بهره‌گیری از آنها در چهارچوب نظام ارزشی اسلام؛ علم و فناوری کمال‌آفرین، توانمندساز، ثروت‌آفرین و هماهنگ با محیط زیست، سلامت معنوی و جسمی و روانی و اجتماعی آحاد جامعه؛ ایجاد تحول بنیادین علمی به‌خصوص در بازبینی و طراحی علوم انسانی در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی؛ تعامل فعال و الهام‌بخش با محیط جهانی و فرایندهای توسعه علم و فناوری در جهان؛ اخلاق‌محوری، تقدم مصالح عمومی بر

منافع فردی و گروهی، تقویت روحیه تعاون و مشارکت و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه علمی و نهادهای مرتبط با آن.

در خصوص اهمیت این رشته، علوم تربیتی و مدیریت مبتنی بر مبانی اسلامی در اولویت الف نقشه جامع علمی کشور قرار دارد. همچنین، بر اساس راهبردهای موجود در نقشه جامع علمی کشور می‌توان راهبردهایی را برای رشته مدیریت آموزشی در نظر گرفت. برخی از مهم‌ترین دلالت‌های این سند برای رشته مدیریت آموزشی به‌طور خلاصه در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) دلالت‌های نقشه جامع علمی کشور برای رشته مدیریت آموزشی

۱. توجه رشته به نیازهای کشور در زمینه تولید علم و پژوهش
۲. ایجاد بستری برای مناظره‌های علمی و برپایی کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی
۳. دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی باید توانایی کارآفرینی داشته و بتوانند مبتنی بر توانایی علمی و مهارتی خود در مسئولیت‌های شغلی و جامعه نقش ایفا کنند.
۴. مدیریت دانش و پیاده‌سازی آن در استادان و دانشجویان رشته
۵. ایجاد بستر برای دانشجویان در جهت تبدیل ایده‌های آموزشی خود به محصول
۶. تدوین برنامه درسی و محتوای درسی رشته مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی
۷. ایجاد بستر برای دانشجویان رشته برای مناظره‌های علمی و برپایی کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی
۸. جهت‌دهی آموزش و پژوهش در راستای نیازهای واقعی کشور
۹. آموزش زبان مبتنی بر نیازهای رشته و به‌صورت مستمر

بر اساس سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور نیز به نظر می‌رسد مدیریت آموزشی که معطوف به مدیریت و تصمیم‌گیری تربیت و آموزش نیروی انسانی در سه حوزه عمومی، عالی و مهارتی است، از اولویت‌های راهبردی علم و فناوری کشور در سایه اسناد بالادستی است. این سند با توجه به وضعیت مطلوب و موجود، راهبردهایی را در سه سطح ملی، میانی و عملیاتی تعریف می‌کند که در این پژوهش با توجه به ماهیت کاربردی رشته مدیریت آموزشی در تدوین برنامه درسی، آن دسته از راهبردهای عملیاتی سند که متناسب با این رشته است، مورد توجه قرار گرفت. جدول (۳) مهم‌ترین

دلالت‌های مدیریت آموزشی را بر مبنای سند تحول راهبردی علم و فن‌آوری کشور نشان می‌دهد.

جدول (۳) دلالت‌های سند علم و فناوری کشور برای مدیریت آموزشی

۱. پی‌جویی اهداف مبتنی بر مدیریت دانش در برنامه‌های آموزشی
۲. تبیین مبانی نظری و معرفت‌شناسی توسعه علمی و توسعه ملی بر اساس ارزش‌های اسلامی
۳. حمایت از توسعه پارادایم توحیدی در همه حوزه‌های معرفت
۴. فرهنگ‌سازی برای تقویت جنبش نرم‌افزاری، تولید بومی علم، ایجاد فضای بازتولید علم و فکر از طریق کانون‌ها و کرسی‌های نوآوری و نظریه‌پردازی و مناظره‌های علمی
۵. تقویت اخلاق استادان و دانشجویان اعم از اخلاق در آموزش، پژوهش و ارائه خدمات
۶. پژوهش‌محور کردن آموزش و مسئله‌محور کردن پژوهش
۷. غنابخشی محتوای آموزشی و بهره‌گیری از فناوری‌ها، شیوه‌ها و روش‌های نوین آموزشی در نظام آموزش عالی کشور
۸. شناسایی و گسترش گرایش‌های میان‌رشته‌ای بر اساس حل مشکل و رفع نیاز
۹. تقویت ذهنیت فلسفی و فعال و پرهیز از انفعال و عمل‌زدگی در حوزه علوم انسانی و نیز توسعه مطالعات فلسفه همه علوم و فلسفه آموزش و پژوهش (فلسفه مضاف) در علوم انسانی
۱۰. تحول و بهبود مبانی معرفت‌شناسی علوم و تحول در روش‌های تحقیق و آموزش روش تحقیق

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران متضمن دلالت‌های مهم و اساسی برای مدیریت آموزشی با تأکید بر تربیت مدیران است. مدیران آموزشی بر مبنای راهبردهای کلان این سند باید شایستگی‌هایی داشته باشند که به‌طور خلاصه در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴) شایستگی‌های مدیران آموزشی بر مبنای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

شایستگی‌های مدیران	راهبردها
تسلط به مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی	۱
نگاه و تفکر کل‌نگر، یکپارچه و سیستمی	۲
قدرت طراحی و اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت مبتنی بر مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی	۳
آشنایی با فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف آموزشی و تربیتی مناطق کل کشور	۴
روحیه عدالت‌خواهی	۴
آگاهی از ظرفیت‌های مردمی، خانواده‌ها و دیگر نهادها برای تعامل با آنها و مشارکت در آموزش و پرورش	۵ و ۸
توان گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و ارزشیابی، خلاقیت و نوآوری، نظریه‌پردازی و مستندسازی تجربیات علمی تربیتی بومی	۶
آشنایی و تسلط بر فناوری‌های نوین	۷
شناخت رسانه و توان استفاده از آن	۸
مدیریت اثربخش، کارآمد، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو	۹
قدرت بهسازی منابع انسانی در جهت ارتقای معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان	۱۱
شناخت نقاط ضعف و قوت ساختارها و رویه‌ها در آموزش و پرورش	۱۲
آگاهی از شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، تربیتی، علمی و حرفه‌ای مورد نیاز فرهنگیان	۱۳
شناخت ظرفیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای تعامل سازنده با آن	۱۴

۱. برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه‌های برتر ایران و جهان رشته مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد در حال حاضر در ۲۳ دانشگاه کشور دانشجویی پذیرد. در این مطالعه، برنامه درسی دانشگاه‌های پیشگام در راه‌اندازی این رشته از جمله دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه اصفهان و دانشگاه شیراز در رشته مدیریت آموزشی در سطح کارشناسی ارشد احصاء

و مورد توجه قرار گرفت. نتایج حاصل از تطبیق این تجارب در دانشگاه‌های مورد مطالعه در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵) ماتریس درس‌های مشترک و متمایز رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه‌های برتر ایران

عنوان درس (مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی)	تهران	فردوسی مشهد	شهید بهشتی	اصفهان	شیراز	علامه طباطبائی	خوارزمی
اصول برنامه‌ریزی	*	*	*	*	*	*	*
اصول مدیریت آموزشی	*	*	*		*	*	*
کاربرد آمار استنباطی در مدیریت آموزشی	*	*	*	*	*	*	*
روش‌های تحقیق در مدیریت آموزشی	*	*	*	*	*	*	*
اصول مدیریت اسلامی				*			
فلسفه مدیریت آموزشی	*	*					
نظریه‌های سازمانی مدیریت	*	*	*	*	*	*	*
نظارت و راهنمایی آموزشی	*		*	*	*	*	*
مدیریت نیروی انسانی	*	*	*	*	*	*	*
رفتار و روابط انسانی در سازمان‌های	*	*	*		*	*	*
بودجه‌بندی و مدیریت مالی	*			*	*	*	*

عنوان درس (مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی)	تهران	فردوسی مشهد	شهید بهشتی	اصفهان	شیراز	علامه طباطبایی	خوارزمی
تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و کاربرد آن در مدیریت آموزشی		*	*	*	*	*	
مکاتب فلسفی و آراء تربیتی	*	*			*	*	*
روش تحقیق و کاربرد کامپیوتر	*					*	
زبان تخصصی ۱ و ۲	*	*					
سمینار در مسائل مدیریت آموزشی			*			*	
مدیریت آموزش عالی			*				
نظریه‌های مدیریت و رهبری				*			
مدیریت کیفیت در آموزش				*			
مدیریت مراکز آموزشی				*			
مدیریت برنامه درسی					*		

بی‌شک عملیاتی کردن سند چشم‌انداز و دستیابی به اهداف کلان دانشگاه، مستلزم پیش‌زمینه‌هایی شناختی از وضعیت موجود رشته‌های دانشگاهی در بستر رقابت با دانشگاه‌های برتر جهانی است. مشاهده ضعف‌ها و پیمودن مسیرهای آزموده نشده می‌تواند به‌عنوان اولویتی در این مسیر مطرح شود. اما برای موفقیت در چنین امر مهمی باید برنامه‌های ارائه شده، اهداف کلان، انتظارات و تغییر رویه‌های رشته‌های تحصیلی

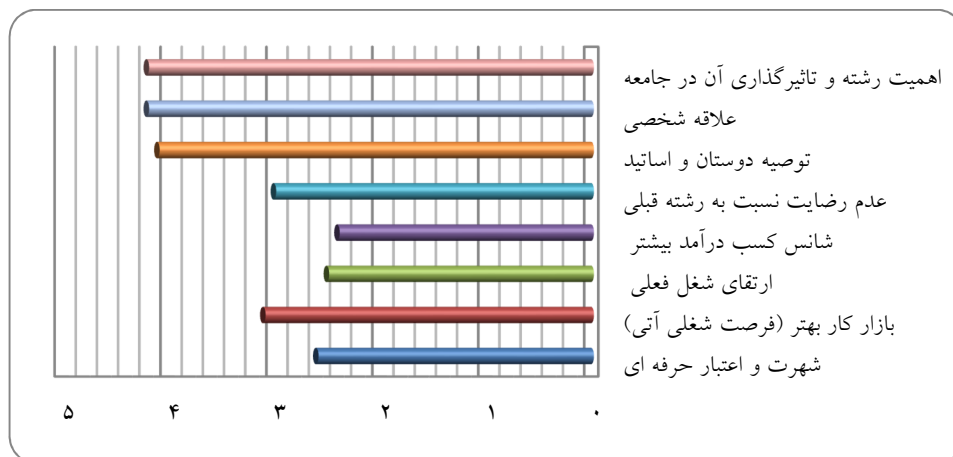
در دانشگاه‌های برتر دنیا بر اساس شاخص‌های مطلوب جهانی را بررسی کرد. به نظر می‌رسد که چنین کنکاشی می‌تواند آغازگر مسیر اجرای اصلاحات زیربنایی باشد و همگرایی با تحرکات جهانی در آموزش و پژوهش به‌عنوان یک ضرورت مطرح شود. بنابراین، در پژوهش حاضر، وضعیت کنونی رشته مدیریت آموزشی در ده دانشگاه برتر با معیار قرار دادن برتری در زمینه تعلیم و تربیت بر اساس نظام رتبه‌بندی QS در سال ۲۰۱۶ بررسی شده است. ده دانشگاه برتر مورد بررسی، به ترتیب عبارت‌اند از: کالج دانشگاهی لندن (یو سی ال)، دانشگاه هاروارد، دانشگاه استنفورد، دانشگاه کمبریج، دانشگاه هنگ‌کنگ، دانشگاه ملبورن، دانشگاه برکلی، دانشگاه بریتیش کلمبیا، دانشگاه لس‌آنجلس (یو سی ال ای). شایان ذکر است دانشگاه آکسفورد به‌عنوان پنجمین دانشگاه برتر دنیا در حوزه تعلیم و تربیت به این دلیل که رشته مدیریت آموزشی در سطح کارشناسی ارشد ارائه نمی‌دهد و فقط دکتری این رشته را ارائه می‌کند، در این فهرست قرار نمی‌گیرد و در مجموع، ۹ دانشگاه مورد بررسی قرار گرفتند.

مرور برنامه درسی دانشگاه‌های برتر دنیا در این مطالعه در قالب یک ماتریس حاکی از تنوع در عناوین درس‌های ارائه شده است. به‌رغم این تنوع و تعدد، با تکیه بر تفکر رهبری حاکم بر فضای فکری مدیریت آموزشی می‌توان به‌طور نمونه به اشتراک عنوان درس رهبری آموزشی در برنامه‌های درسی مورد نظر اشاره کرد. علاوه بر این، اشتراک‌های دیگری مانند یادگیری و تغییر، رهبری تغییر و تحول، سیاست‌گذاری آموزشی و پژوهش‌های آموزشی در فهرست درس‌های ارائه شده قابل ملاحظه‌اند. از مجموع درس‌های اصلی و تخصصی دانشگاه‌های برتر دنیا، درس‌های سیاست‌گذاری آموزشی و روش پژوهش، رهبری برای اجتماع یادگیرنده، یادگیری و مدیریت تغییرات آموزشی و بهبود، نظارت و بهبود آموزشی، سازمان و رهبری سیستم، آموزش و یادگیری اثربخش، مبانی رهبری آموزشی، توسعه مهارت‌های خودرهبری، مدیریت مالی، رهبری چندفرهنگی و مسائل حقوقی مدیریت آموزشی حائز اهمیت شدند.

۲. دیدگاه دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی نسبت به برنامه درسی

موجود

در جهت بازنگری برنامه درسی مدیریت آموزشی در سطح کارشناسی ارشد، دیدگاه دانش‌آموختگان به برنامه درسی موجود به دو شیوه نظرسنجی در دو مرحله و مصاحبه گروهی، بررسی شد. نتایج به دست آمده از این سه مرحله در ادامه به شرح نمودار (۱)، جدول (۶) و جدول (۷) ارائه می‌شود.



نمودار (۱) انگیزه انتخاب رشته مدیریت آموزشی در کارشناسی ارشد

جدول (۶) دیدگاه دانش‌آموختگان به میزان تناسب درس‌های کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

عناوین درس‌ها	اهمیت و ضرورت درس برای دوره کارشناسی ارشد	تناسب درس با اهداف رشته	تناسب سرفصل‌ها با عنوان درس	تناسب شیوه تدریس با سرفصل‌های درس	تناسب شیوه ارزشیابی با سرفصل‌های درس	توانمندی استاد در ارائه درس
کاربرد آمار استنباطی در مدیریت آموزشی	۳/۸	۳/۴	۳/۳	۳/۱	۳/۲	۳/۵
مکاتب فلسفی و آراء تربیتی	۳/۲	۳/۱	۳	۳/۱	۳	۳/۵
نظریه‌های سازمانی مدیریت	۳/۶	۳/۵	۲/۹	۳/۳	۳/۳	۳/۳
اصول مدیریت آموزشی	۳/۸	۳/۴	۳/۳	۳/۱	۳/۲	۳/۵
روش‌های تحقیق در مدیریت آموزشی	۳/۸	۳/۴	۳/۵	۳/۳	۳/۲	۳/۷
مدیریت نیروی انسانی	۳/۳	۳/۲	۳/۱	۲/۶	۲/۸	۳
اصول برنامه‌ریزی آموزشی	۲/۸	۳	۲/۸	۳	۲/۸	۳
نظارت و راهنمایی آموزشی	۳/۵	۳/۲	۳	۲/۷	۳/۱	۳/۱
رفتار و روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی	۳/۷	۳/۶	۳/۵	۳/۴	۳/۴	۳/۵
فلسفه و مدیریت آموزشی	۳/۷	۳/۳	۳/۲	۳/۳	۳/۱	۳/۱
تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و کاربرد آن در مدیریت آموزش	۳/۶	۳/۳	۳/۱	۳	۲/۸	۳/۱

جدول (۷) دیدگاه دانش‌آموختگان به درس‌های کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی از نظر مؤلفه‌های مرتبط با جامعه

عناوین درس‌ها	فرصت استخدامی در سازمان‌های دیگر	تناسب با نیازهای جامعه	زمینه ایجاد اشتغال فردی (کارآفرینی)	کارآمدی در عمل
کاربرد آمار استنباطی در مدیریت آموزشی	۲/۶	۲/۴	۲/۴	۲/۵
مکاتب فلسفی و آراء تربیتی	۱/۵	۲/۲	۱/۳	۲/۲
تئوری‌های سازمانی مدیریت	۲/۱	۲/۳	۱/۷	۲/۱
اصول مدیریت آموزشی	۲/۵	۲/۷	۲/۱	۲/۳
روش‌های تحقیق در مدیریت آموزشی	۳	۲/۸	۳/۱	۳/۲
مدیریت نیروی انسانی	۲/۸	۳/۱	۲/۷	۲/۲
اصول برنامه‌ریزی آموزشی	۲/۴	۲/۷	۲/۱	۲/۳
نظارت و راهنمایی آموزشی	۲/۶	۳	۲/۳	۲/۲
رفتار و روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی	۲/۷	۳/۲	۲/۴	۲/۶
فلسفه و مدیریت آموزشی	۲/۲	۲/۶	۲/۱	۲/۱
تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و کاربرد آن در مدیریت آموزش	۳	۳	۲/۶	۲/۵

به‌منظور دریافت بازخورد دانش‌آموختگان و دانشجویان در شرف فارغ‌التحصیلی درباره کیفیت تجربه شده دوره کارشناسی ارشد، طی یک جلسه با گروهی از آنان مصاحبه شد. به‌طورکلی، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده ضرورت توجه به طراحی و اجرای برنامه درسی متناسب با الزامات حرفه‌ای و تخصصی رشته و نیز نیازها و انتظارات محیط کار است. رعایت نسبت منطقی نظریه و عمل در تعیین و انتخاب درس‌ها، سرفصل‌ها، محتوا و روش تدریس با تأکید بر ایجاد فرصت‌های لازم برای کسب تجربه عملی در کنار مبانی نظری از دیگر نکات قابل ملاحظه در مصاحبه با دانشجویان است. در این میان، بر تخصصی شدن مدیریت آموزشی و هدایت علایق پژوهشی دانشجویان بر اساس گرایش‌های تخصصی منشعب از آن، تأکید زیادی شده است. علاوه بر این، بر اساس دیدگاه برخی دانشجویان نمی‌توان از نقش فعال و

یادگیرنده دانشجوی در جریان یادگیری غافل شد. نتایج مربوط به تحلیل مصاحبه‌ها در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول (۸) نتایج مربوط به کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با دانش‌آموختگان و دانشجویان رشته مدیریت آموزشی

مقوله‌ها	مفاهیم
نقش دانشجو	رضایت درونی / روحیه یادگیری / فرصت‌یابی و یادگیرنده / برنامه توسعه
نیازمندی‌های	مهارت‌های عملی / درآمدزایی / کاربردی بودن دروس / هویت حرفه‌ای
برنامه‌ریزی درسی	رابطه نظریه و عمل / کسب تجربه عملی / رویکرد میان‌رشته‌ای به درس‌ها / اهداف کاربردی درس‌ها / بایدهای حرفه مدیریت آموزشی / تخصصی شدن درس‌ها / تعیین گرایش تخصصی / توالی منطقی درس‌ها / پیوستگی محتوایی / درس‌های هر نیمسال / نسبت درس‌ها تخصصی با پایان‌نامه
محتوای دروس	تناسب محتوا و روش تدریس / نسبت نظری و عملی سرفصل‌ها / روزآمدی
روش تدریس	پروژه‌محوری / روش‌های تدریس فعال / درس پژوهی
نیازمندی‌های ادراک‌شده	درس آمار / درس روش تحقیق / مدیریت دانش / طراحی آموزشی / مدیریت منابع انسانی / اقدام پژوهی / روش تحقیق کیفی

۳. دیدگاه‌ها و انتظارات دست‌اندرکاران مدیریت آموزشی

در ادامه شواهد گردآوری شده برای بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی، جلسه بحث گروهی با حضور ۱۰ نفر از دست‌اندرکاران مدیریت آموزشی در آموزش و پرورش خراسان رضوی تشکیل شد. نتایج به دست آمده از مصاحبه گروهی در سه مرحله کدگذاری شد. چنانکه در جدول (۹) ملاحظه می‌شود، بر اساس مصاحبه‌های به عمل آمده، مهم‌ترین نکات کلیدی، استخراج و مفهوم‌گذاری و مفاهیم برحسب مضامین مشترک، مقوله‌بندی شدند.

جدول (۹) مقوله‌های مستخرج از داده‌های حاصل از مصاحبه گروهی

مقوله	مفاهیم
حرفه‌ای‌گرایی (دانش تخصصی)	فلسفه مدیریت آموزشی/نگاه تخصصی به مدیریت آموزشی/قلمرو مشخص مدیریت آموزشی
پژوهشگری	پژوهش در مدیریت آموزشی
مدیریت مبتنی بر تربیت (دانش تربیتی)	شناخت فلسفه تعلیم و تربیت/ مدیریت مبتنی بر ساحت‌های مختلف تربیت/ بینش مشترک (پیوند تعلیم و تربیت)/ مدیریت تربیت محور و نه آموزش صرف
پیوند علم و عمل (دانش عملی)	پیوند منطقی کارشناسی ارشد یا دوره کارشناسی/ پیوند دانشگاه و آموزش و پرورش/ ضعف تربیت مدیر/ تأکید بر مهارت‌آموزی/بومی‌سازی و کارآمدسازی رشته مدیریت آموزشی/نگاه واقع‌گرایانه پیوند علم و تجربه/اشتراک تجربه/تحلیل تجربیات ناموفق
دانش فنی مدیریت	مدیریت اجرایی/ شناخت مسائل فنی مدرسه/ نقش‌های مدیران در مدرسه/ شناخت مسائل حقوقی محدود شدن نقش مدیر به کارپرداز مدرسه/شناخت مسائل جدید مدرسه با تأکید بر فناوری/شناخت مسائل مدرسه
دانش قوانین	شناخت اسناد آموزش و پرورش/ دانش قوانین در حد تسلط و نقد
دانش رفتار سازمانی	مهارت تیم‌سازی؛ ارتباط مؤثر؛ مهارت شناخت و حل مسئله؛ فن سخنوری/ مهارت‌های اجتماعی؛ مسئولیت اجتماعی مدیر مدرسه؛ تفکر خلاق؛ قدرت متقاعدسازی دیگران؛ خودارزیابی؛ مدیریت بحران

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مطالعه بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد بود. با تأکید بر این ضرورت که برنامه درسی موجود پاسخگوی نیازهای جامعه نیست (عارفی، ۱۳۸۰؛ یارمحمدیان و سلمان‌زاده، ۱۳۸۵) و با قدمت بیست ساله این رشته در دانشگاه فردوسی مشهد و بیش از آن در ایران، ضرورت بازنگری برنامه درسی همگام با تحولات علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در پاسخ به نیازهای جامعه احساس شد. برای این منظور با تکیه بر داده‌های به دست آمده از منابع اطلاعاتی مختلف، ضمن آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود، مشخصات کلی برنامه درسی جدید تدوین شد.

به استناد یافته‌های حاصل از این پژوهش، هدف از رشته مدیریت آموزشی چنین بیان شد «مدیریت آموزشی به‌عنوان یک رشته کاربردی، معطوف به بهبود کیفیت و هدایت برنامه‌های آموزش و یادگیری جهت ارتقای اثربخشی عملکرد نظام آموزشی کشور است. شواهد و تحولات علمی مدیریت آموزشی، نشان‌دهنده تغییر اساسی در رویکرد این رشته به عملکرد نظام‌های آموزشی با تمرکز بر دو عنصر کلیدی «رهبری آموزشی» و «سیاست‌گذاری» است. بنابراین، «نظریه، سیاست و عمل» و روابط میان آنها، ساختار و محتوای این رشته را شکل می‌دهند». به استناد مرور ادبیات مدیریت آموزشی، مأموریت و رسالت اصلی مدیریت آموزشی معطوف به مسائل و دغدغه‌های بهبود و اثربخشی مدرسه و نظام تعلیم و تربیت و تفکر حاکم بر تغییر، اصلاح و بهبود نظام آموزشی مبتنی بر آموزه‌های «رهبری» است. شواهد و تحولات علمی این حوزه نیز حاکی از تغییر اساسی در رویکرد این رشته به عملکرد نظام‌های آموزشی با تمرکز بر دو عنصر کلیدی «رهبری آموزشی» و «سیاست‌گذاری» است. بنابراین، «نظریه، سیاست و عمل» و روابط میان آنها، ساختار و محتوای رشته مدیریت آموزشی را تشکیل می‌دهند. در این خصوص، نتایج مطالعه رسته‌مقدم و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحلیل تولیدات علمی حوزه مدیریت و رهبری آموزشی بر تغییر جهت‌گیری آثار علمی این رشته در سال‌های اخیر و حرکت به سمت رهبری و سیاست‌گذاری آموزشی تأکید دارد.

بنابراین، در برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، رویکرد بدیل در برنامه درسی بازنگری شده رشته مدیریت آموزشی با نگاهی به تحولات علمی این حوزه و نیز احساس نیاز و ضرورت تربیت مدیران حرفه‌ای مبتنی بر تغییر عنوان رشته از «مدیریت آموزشی^۱» به «رهبری آموزشی و سیاست‌گذاری^۲» است. مأموریت و رسالت اصلی این رشته معطوف به مسائل و دغدغه‌های بهبود و اثربخشی نظام آموزش و یادگیری کشور با تأکید بر آموزش و پرورش است. لذا با نظر به تغییر عنوان رشته، تفکر حاکم بر رشته، تغییر، اصلاح و بهبود نظام آموزشی مبتنی بر آموزه‌های رهبری و رهبری آموزشی خواهد بود. نظام ارزشی حاکم بر تفکر این رشته در تربیت و توسعه سرمایه‌های فکری (انسانی، سازمانی و اجتماعی) را ارزش‌های ایرانی و اسلامی شکل می‌دهد. رویکرد تیم بازنگری در انعکاس اصول و ارزش‌های ایرانی-اسلامی با نظر به منابع معتبر موجود در این زمینه معطوف به محتوا

1. Educational Administration

2. Educational Leadership and Policy

بوده است و تلاش شده تا منابع مرتبط با سرفصل‌های مورد نظر با تأکید بر نگاه اسلامی معرفی شوند.

بدین ترتیب، درس‌های پیشنهادی طی چند مرحله، پالایش و اولویت‌بندی شدند. نخست، صرف‌نظر از تصمیم به حذف برخی درس‌های موجود در برنامه درسی در حال اجرا، فهرستی از درس‌های پیشنهادی مبتنی بر منابع اطلاعاتی مورد مطالعه استخراج شدند. در انتخاب عنوان درس به معیارهایی چون پاسخ به نیاز جامعه، جهت‌گیری‌های علمی کشور و توسعه دانش نظری رشته دانشگاهی، تأکید ویژه شد. اعتبار درس‌های منتخب بر اساس همسویی نتایج به دست آمده از منابع اطلاعاتی مورد مطالعه تأمین شد. به‌عنوان نمونه، درس جنبه‌های حقوقی مدیریت آموزشی با نظر به نیاز مبرم دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به‌ویژه مدیران مدرسه‌ها و نیز یافته‌های حاصل از تحلیل تجارب دانشگاه‌های برتر دنیا لحاظ شد. براین اساس، تعداد درس‌ها از یازده درس در وضع موجود به شانزده درس پیشنهادی تغییر کرد. ضمن اینکه پنج درس نظریه‌های سازمانی مدیریت، رفتار و روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی، روش‌های تحقیق در مدیریت آموزشی، فلسفه مدیریت آموزشی و کاربرد آمار استنباطی در مدیریت آموزشی در برنامه درسی جدید، البته با اعمال تغییرات محتوایی، حفظ شدند و درس‌هایی مانند مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و کاربرد آن در مدیریت آموزشی، اصول برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت نیروی انسانی، اصول مدیریت آموزشی و زبان تخصصی از برنامه درسی این رشته حذف شدند. البته حذف درس محوری با عنوان اصول مدیریت آموزشی به معنی ضرورت نداشتن آن برای دانشجویان رشته نیست، بلکه با رویکردی تخصصی‌تر هسته اصلی آن در درس‌های پیشنهادی دیگر حفظ شد. چنانکه به استناد یافته این پژوهش و همسو با نتایج مطالعه رحمانی کرچگانی و بهرنگی (۱۳۸۸)، دانش‌آموختگان، درس «اصول مدیریت آموزشی» را ضروری ارزیابی کردند و قائل به تغییر یا دگرگونی در سرفصل‌های این درس بودند. شایان ذکر است که حذف برخی درس‌ها با نظر به برنامه درسی علوم تربیتی جدید و الزام گذراندن آنها به‌عنوان پیش‌نیاز برای دانشجویان رشته‌های غیر مرتبط صورت گرفت. بر اساس سیاست جدید، تعداد کل واحدهای دوره کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، ۳۲ واحد با تخصیص ۱۲ واحد درس‌های تخصصی و ۱۶ واحد درس‌های اختیاری و ۴ واحد پایان‌نامه است. برنامه درسی جدید رشته مدیریت آموزشی در دوره کارشناسی ارشد به شرح جدول (۱۰) است.

جدول (۱۰) فهرست درس‌های پیشنهادی جدید رشته مدیریت آموزشی در دوره کارشناسی

ارشد

نوع واحد	عنوان درس	
تخصصی	نظریه‌های رهبری آموزشی	
	فلسفه رهبری آموزشی	
	سیاست‌گذاری آموزشی	
	رهبری یادگیری	
	تغییر و نوآوری آموزشی	
اختیاری	ارزشیابی برنامه‌های آموزشی	
	رفتار سازمانی در سازمان‌های آموزشی	
	جنبه‌های حقوقی مدیریت آموزشی	
	روش‌های پژوهش	
	رهبری مدرسه خودگردان	
	اخلاق حرفه‌ای رهبران آموزشی	
	آمار استنباطی	
	مدیریت دانایی در سازمان‌های آموزشی	
	هوشمندسازی در سازمان‌های آموزشی	
	سمینار	
	پایان‌نامه	

از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نبود مطالعات و اسناد مدون درباره وضعیت رشته مدیریت آموزشی در ایران و به تبع آن نبود تصویری روشن از فلسفه مدیریت آموزشی در ایران، دستاوردهای آن در نظام تعلیم و تربیت ایران از گذشته تا اکنون اشاره کرد. چه بسا گستردگی موضوعی این رشته ممکن است از موانع انسجام‌بخشی و وحدت فکری این رشته در دانشگاه به‌شمار آید. پراکندگی مطالعات صورت گرفته و پژوهش‌های هدایت‌شده، گواهی بر این مدعاست. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش می‌توان به اقدام بازنگری برنامه درسی در مقیاسی کوچک، یک دانشگاه از مجموع ۲۳ دانشگاه ایران، اشاره کرد که اندیشه تغییر جسورانه یک تیم کوچک آرمان‌گرا را در همراه کردن دیگر استادان این رشته، در نظر و عمل ممکن است با موانعی روبه‌رو کند.

منابع

- خاقانی‌زاده، مرتضی و فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۷). الگوهای برنامه درسی دانشگاهی. راهبردهای آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، ۲، ۱۰-۱۸.
- دیباواجاری، طلعت؛ یمنی‌دوزی سرخابی، محمد؛ عارفی، محبوبه و فردانش، هاشم (۱۳۹۰). مفهوم‌پردازی الگوهای برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی (تجربیات و دستاوردها). پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۸ (۳۰)، ۴۸-۶۲.
- رحمانی کرچگانی، محمد و بهرنگی، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی ساخت و محتوای برنامه درس اصول مدیریت آموزشی دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از دیدگاه استادان و دانشجویان. نامه آموزش عالی، ۲ (۷)، ۴۱-۵۸.
- رسته‌مقدم، آرش؛ عباس‌پور، عباس و جلالی دیزجی، علی (۱۳۹۵). تأملی بر میراث علمی جهانی رشته مدیریت آموزشی. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۹ (۱۶)، ۵۱-۸۴.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- شادفر، حوریه؛ لیاقت‌دار، محمدجواد و شریف، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۶۲، ۱۲۳-۱۴۶.
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). ارزیابی برنامه‌ریزی درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی) در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان، متخصصان و کارفرمایان. مطالعات برنامه درسی، ۱ (۱)، ۴۳-۷۴.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۹). برنامه درسی دور ریختنی. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱ (۴)، ۶-۷.
- قضاوی، منصوره؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ نصر، احمدرضا و موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۵). نقش مشارکت‌کنندگان در تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی در دو وضع موجود و مطلوب. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۵ (۹)، ۵۱-۷۶.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۸). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- نصر، احمدرضا و معصومی، محمد (۱۳۸۴). مقایسه عملکرد مدیران دانش‌آموخته رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با سایر رشته‌ها. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۱ (۲)، ۹۹-۱۲۸.

یارمحمدیان، محمدحسین و سلمانی‌زاده، مریم (۱۳۸۵). ارزشیابی نظر دانشجویان و فارغ‌التحصیلان درباره برنامه‌های درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان. *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، ۹، ۷۷-۸۶.

Bush, T. (1999). Crisis or crossroads? The discipline of educational management in the late 1990s. *Educational Management and Administration*, 27 (3), 239-252.

Bush, T. (2003) *Theories of Educational Leadership and Management*. London: SAGE.

Greenfield, T. & Ribbins, P. (Eds.). (2005). *Greenfield on educational administration: Towards a humane craft*. Routledge.

Griffiths, D. E. (1959), *Administrative theory*. New York: Appleton-Century-Crofts.

Gunter, H. (2001). Critical Approaches to Leadership in Education. *Journal of Educational Inquiry*, 2 (2), 94-108.

Hallinger, Ph. & Chen, J. (2014). Review of research on educational leadership and management in Asia: A comparative analysis of research topics and methods, 1995-2012, *Educational Management Administration & Leadership*, 1-23.

Halpin, A. W. (1958). *Administrative theory in education*. New York: Macmillan.

Hare, D. (1996). *Theory development in educational administration*, Dissertation submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Educational Administration.

Heck, R. H. & Hallinger, Ph. (2005). The Study of Educational Leadership and Management: Where Does the Field Stand Today? *Educational Management Administration Leadership*, 33, 229.

Hoy, W. & Miskel, C. (1991). *Educational administration* (4th Ed.). New York: McGraw-Hill.

Özdemir, M. (2011). Educational administration: A science at the intersection of public administration and business administration, *Review of Public Administration*, 5 (2), 41-58.

Oplatka, Izhar (2009). The field of educational administration: A historical overview of scholarly attempts to recognize epistemological identities, meanings and boundaries from the 1960s onwards. *Journal of Educational Administration*, 47, (1), 8 - 35.

Lattuca, L. R. & Stark, J. S. (2011). *Shaping the college curriculum: Academic plans in context*. John Wiley & Sons.

Willower, D. J. (1983). Evolution in the professorship: past, philosophy, future. *Educational Administration Quarterly*, 19 (3), 179-200.